

آیا عراق وی - یتنام دیگری ست؟

نویسندگان: هاری مگداف، جان بلامی فستر و رابرت دبل یو. مک چیزنی،

فارسی ایرج فزونکار

نشانه‌ئی از این که امور و مسائل برای ک.م.م. حمله - کننده و اشغال کننده‌ی عراق، چه سان نامطلوب میباشد، مقایسه‌ی عراق با جنگ وی یتنام است که اکنون در رسانه‌های ک.م.م. امری عادی شده. در تلاشی نومیدانه برای متوقف کردن این امر، بوش در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی نادرش اعلام کرد که ذکر ساده‌ی وی یتنام همچون شبیه یا سنجش پذیر با جنگ کنونی نا - میهن - پرستانه است و رسوا - کننده‌ی نیروها. با این حال، مسئله بر جای خود میماند و اشغال عراق را طرح میکند. بنگریم تا چه درجه عراق «وی یتنام» دیگری برای ایمریالیزم امریکا شده است؟...

عراق، همانند وی یتنام در سده‌ی گذشته، دارد برابر محدودیت‌های قدرت امریکا میبایستد، ک.م.م. تنها نیروی برتر بازمانده است، بزرگترین نیروی نظامی روی زمین. با این همه، ادعای آن به توانایی مطلق، اکنون دارد بار دیگر، از سوی مقاومت و نفرت نیروهای مردمپسند جهان سوم، متزلزل میشود. در آوریل ۲۰۰۴ به تنهایی، تلفات جنگی ک.م.م. در عراق از آغاز حمله به بغداد زیادتر بود... هیچ راه حل سیاسی استواری در عراق برای طبقه‌ی فرمانروای ک.م.م. ممکن به نظر نمیرسد. یک راه حل نظامی هم در این جنگ و اختلاف موجود نیست. و ک.م.م. چنان که مشاهده میشود، هیچ رزم آمائیی خرجی هم در پیش ندارد... در چنین اوضاع و احوالی، مسئله‌ی شکست، بار دیگر سر بر میکشد، موازی با وی یتنام. هر چند وضع جهان به شگرفی دیگرگون شده است، فرد نمیتواند از یاد آوردن نوشته‌ی Chinese People's Daily، در ۱۹۶۶ خودداری کند: «هرچه بیشتر ایمریالیزم ک.م.م. نیرو درون آسیا بیاندازد، آن نیرو بیشتر در گل و لجن زار فرو میرود و گوری که آن برای خود میکند، ژرف تر خواهد بود.» نقل شده در نیویورک تایمز، ۲۱ اوت ۱۹۶۶.

هیچ تردیدی نیست که طبقه‌ی فرمانروای ایمریالیزم ک.م.م. به واقع از شباهت نسبی با وی یتنام آگاه است و میداند که ایمریالیزم کشورش با بدبختی دیگری روبروست، که فقط هنگامی سخت تر و سنگین تر میشود که بیشتر در عراق بماند. در ۲ آوریل ۱۹۷۰، در یک لحظه‌ی بحرانی در جنگ وی یتنام، سناتور فولبرایت، رئیس کمیته‌ی روابط خارجی سنا اعلام کرد که دشمن «نمیتواند ما را بیرون هندوچین براند. لیکن آنها میتوانند یا گزینش اشغال کامل سرزمین خود از سوی ما و با یکبارہ بیرون رفتن ما از کشورشان را به ما تحمیل کنند.» این معما یا تنگنای اصلی را که ک.م.م. در جنگ وی یتنام تجربه کرد، نشان میدهد. ک.م.م. قادر بود هرچه بیشتر به اعماق وی یتنام پیش برود، و پیش رفت. لیکن سرانجام در اثر شکست‌هایش رویاروی مقاومتی سرسخت و آشتی ناپذیر، یکپارچه خارج کردید - نتیجه‌ئی که در خانه نیز از سوی جنبش توده‌ئی ضد - جنگ تقویت میشد. یک گزینش نا - گوار همانندی نیز امروز ک.م.م. با در عراق روبروست. تشدید بزرگ جنگ از سوی توده‌های جهانی پذیرش - پذیر نیست، در بردارنده‌ی جمعیت متحدان بزرگ ک.م.م. و بسیار بیشتر غیر - قابل پذیرش از سوی توده‌ی مردم ک.م.م. باری، بیرون آمدن یکپارچه نیز برای طبقه‌ی حاکم ک.م.م. پذیرش - پذیر نیست، که از آن خسارات واقعی دیده است و نگران قدرت امریکاست. در این شرایط نوعی تشدید جنگ نیز، احتمالاً به نظر میرسد، به رغم واکنش جهانی که به دنبال خواهد داشت.

نظری عمومی برجستگان قدرتمند ک.م.م. در گزارشی زیر عنوان «عراق» یک سال دیرتر از سوی «شورای روابط خارجی» علنی شد. تهیه کنندگان عبارت بودند از جیمز شلزینگر وزیر دفاع سابق، توماس پی کرینگ سفیر کبیر سابق ک.م.م. در روسیه... نویسندگان گزارش نیز شخصیت‌های بالای سیاست خارجی ک.م.م. بودند، جین Corporation Rand Kirkpatrick و جیمز ف. Dobbins... گزارشی روی نیاز ک.م.م. بر حفظ وضع و ماموریت «رزم - آمایانه»ی در عراق حتا در یک چهارچوب «انتقال قدرت» اصرار میورزید تا (۱) از دخالت همسایگان عراق جلوگیری کند، (۲) «دوام و ادامه‌ی تولید و تحویل نفت را در درازمدت تضمین نماید» (۳) از «پیدائی یک دولت ناتوان که میتواند پناهگاهی برای جنایتکاران و آدمکشان تهیه کند» جلوگیری نماید و (۴) پرهیز از یک «شکست سیاسی» ک.م.م. همراه «از دست دادن قدرت و نفوذ در ناحیه». چنان که شلزینگر و

یگرینگ در لوسانجلس تایمز ۳۰ مارس ۲۰۰۴، زیر عنوان «عراق را بالای سیاستها نگاهدارید» نوشتند: هر دو حزب جمهوریخواه و دمکرات باید به همین دلایل «در جریان بمانند». افزونتر، عراق باید بیرون از سیاستهای نیس جمهوری نگاهداری شود...

درس عمده‌ئی که طبقه‌ی حاکم، گوئی از جنگ فرا گرفته این است که به یک نیروی بسیار بزرگتر نظامی رای ادامه‌ی اشغال نیازمند است. برابر Business Week (۲۶ آوریل ۲۰۰۴) «نگاهداری عراق از سوی ک.م.م. ضعیف است. توقف در آنجا به دو چیز نیاز دارد. نیروهای نظامی بیشتر برای حفظ امنیت و یک رزم - آمائیی کارآمدتر سیاسی. Bruce Nussbaum در صفحه سردبیر «بیزینس ویک» نوشت:

در واشینگتن انکار میشود که رزم - آمائیی نظامی در عراق، مکتب رامسفلد، یک شکست است. بهترین امید برای تاسیس یک مردمسالاری عراقی استوار، در کار آوردن آموزه‌ی کار Colin Powell است. استوار بر نیروی درهم شکننده‌ئی شکل گرفته با هدفهای بسیار روشن سیاسی و یک رزم - آمائیی برون - رونده‌ی ویژه، امروز در عراق دو چیز کم است. پوتین‌های بسیار کم روی زمین، قانونی بودن بسیار کم برای امریکا و شورای دولتی اداره کننده‌ی برگزیده‌اش، هدفهای تغییر یابنده‌ی بسیار زیاد و هیچ رزم - آمائیی روشن بیرون - روی. نتیجه در هفته‌های اخیر، آدم دزدیها، کمین - گران، ضربه‌های متقابل، مرگ و ویرانی بوده است که به گونه‌ئی افزون شونده بدبختی وی یتنام را بازتاب میدهد... اکنون چه باید کرد؟ بازگشتی به آموزه‌ی پاول در برخی هدفهای کلیدی: رویه‌ی بالاتر نیروها، سرانجام مقاومت بعثی را بر طرف میکند، و امنیت بیشتری برای عراقیها فراهم میآورد... سیاست واقعی آموزه‌ی پاول، هم چنین واشینگتن را وامیدارد هدفهاش را محدود گرداند و رزم - آمائیی خروجی‌اش را روشن گرداند.

چنان بازگشتی به آموزه‌ی پاول به چیم بالا بردن سنگین نیروهای نظامی در عراق است. ک.م.م. به طور جاری ۱۳۵۰۰۰ نیروی نظامی در عراق دارد و بیش از ۱۵۰۰۰۰ در کل نمایش عملیاتی‌ی عراق در کویت و... دیگر نیروهای همراه که نیمی از آنها، به تقریب، انگلیسی ست، حدود ۲۵۰۰۰ نیرو به اشغال کمک رسانده‌اند. با این وضع، Business Week مینویسد تحلیل - گرانی همچون... کارشناسان صلح همچون... میگویند ۴۰۰۰۰۰ نیروی نظامی برای حفظ و نگاهداری صلح در کشورهای دگرگونی پذیر و ناپایدار مورد نیاز است. ک.م.م. امیدوار است ۲۵۰۰۰۰ عراقی در لباس نظامی نیز کمک خواهند کرد، لیکن سرباز زدن اخیر نیروهای امنیتی از جنگیدن با عراقیهای هم - وطن، نشانده‌ی آنکه آنها اهل خطر نیستند... این به تقاضائی کشیده میشود برای پخش بیشتر سربازان امریکائی. اما همه‌ی این نیروهای اضافی از کجا خواهند آمد؟ در آغاز و برابر نظر Business Week این کار با برگرداندن واحدهائی که پیشاپیش در عراق خدمت کرده‌اند، انجام میگردد. دیرتر راه‌حلهای دیگری برای کمبود «نیروی نظامی انسانی» باید یافت گردد.

... نیویورک تایمز (۲۵ آوریل ۲۰۰۴) نوشت «این لحظه‌ی پس نشینی نیست و به طور قطع لحظه‌ی نیمه - اقدام هم نیست.» بسیار نیروی نظامی بیشتر از آنچه برنامه‌های اداری حاضر فرا میخوانند، برابر اعلامیه‌ها مورد نیاز است:

بازگرداندن دسته‌های بیشتر نظامی، موجب درد و رنج بیشتری برای نظامیان از پیش تحمیلی خواهد گردید و این به چیم اقرار به آن است که واحدهائی که اکنون به نوبت به خانه برگردانده میشوند باید به عراق بازگردانده شوند. از بسیار گرفتاری و ناراحتی‌ی جاری میتوانست اجتناب شود هرگاه رامسفلد تصمیم نداشت با سیاست رقیب خود، Colin Powell وزیر کشور مخالفت کند، که میگفت اگر قرار است از نیرو استفاده شود، باید بسیار افزون و از پا - درآورنده باشد... ک.م.م. بایستی یک نیروی نظامی بسیار بزرگتری جهت اشغال عراق و برقرار کردن نظم میداشت. شتاب - آهنگ اشغال عراق این سان از افزایش اصولی‌ی نیروهای ک.م.م. دست کم در کوتاه مدت، حکایت دارد. یک هدف بزرگ ک.م.م. آفرینش یک نیروی نظامی عراقی‌ی بزرگ است که بتواند با ملی - گرایان عراقی که با اشغال ک.م.م. می‌جنگند، مقابله کند. اما تا این زمان تلاش در این راه به جایی نرسیده است. هر چند ک.م.م. ۱/۸

میلیارد دلار به ارتش جدید عراق اختصاص داده است، تا این تاریخ تنها کمتر از ۴۰۰۰ سرباز تربیت کرده است. نیمی از گردان اول، ارتش جدید، به دلیل ناکافی بودن دستمزد آن را ترک کرد. هنگام که گردان دوم این نیرو برای کمک به جنگ با مقاومتین عراقی فراخوانده شد، بسیاری از سربازان مبارزه را رد کردند، و گفتند جنگ با دشمنان خارجی عراق را امضا کرده‌اند نه جنگ با عراقیها را. (وال ستریت ۲۴ آوریل ۲۰۰۴).

یکی از مسائل بسیار جدی برای ایمریالیزم ک.م. این است که بیشتر جمعیت عراق را همچون دشمن منافع رزم - آمایانه ک.م. می‌بیند و هیچ بخش موافق ایمریالیزم نمی‌شناسد که بر آن تکیه کند. خلاف این امر در وی‌یتنام روی داد، آنجا که یک قرن استعمار فرانسه یک جمعیت شهری متوسط و طبقه‌ی بالا باقی‌گزارده بود که پس از رفتن فرانسویها با ک.م. همکاری کرد. ک.م. ارتش عراق را در آغاز اشغال، منحل گرداند، از آن که به عوامل بعثی آن اعتماد نداشت. با این حال ک.م. میان بافتار قومی و مذهبی‌ی عراق هیچ هواداری ندارد که خلاء سیاسی و نظامی ایجاد شده را پر کند. اکثریت شیعه نیز حتا از دید سیاسی کمتر از سنتی‌ها برای ک.م. قابل پذیرش است... از آن که شیعه‌ها با دولت اسلامی‌ی بنیاد - گرا در ایران مربوط‌اند. کردها در شمال کشور ساکن‌اند و بر سر نفت با ک.م. جنگ دارند. بی‌ریشه‌ی عمیق در یک بخش جمعیت، ایمریالیزم ک.م. بسیار دشوار می‌یابد پایگاهی برای یک ارتش جدید عراق پیدا کند، ارتشی که از ک.م. پشتیبانی نماید و در نهایت از آن ک.م. باشد. همه‌ی این نکته‌ها، این واقعیت را مجسم می‌کنند که بزرگترین مانع نظامی‌ی ک.م. در اشغال عراق، یک کمبود دقیق نیروهای نظامی‌ست. در اینجا نیز، سنجش با وی‌یتنام پرهیز - پذیر نیست. هرری مگداف و پل سوویزی در دسامبر ۱۹۶۹ در این زمینه نوشتند:

... بزرگترین ضعف ایمریالیزم ک.م. دقیقاً کمبود نیروی انسانی‌ی نظامی‌ست. جنگ وی‌یتنام نشانمیدهد که امید یکبار گسترده‌ی قادر بودن به قرار دادن شگردشناسی به جای نیروی انسانی در امر جنگیدن علیه انقلاب یک خیال و توهم است. ک.م. در حال حاضر، ۳/۵ میلیون نفر در خدمات مسلح دارد (بزرگترین تاسیس نظامی در جهان)، و از این شماره، دست‌کم یک پنجم آن، مستقیم یا غیر - مستقیم، وسیله‌ی جنگی در یک کشور کوچک، هزارها میل دورتر از ک.م. وابسته‌اند. بسیاری از باقیمانده میان بیش از ۲۵۰ مرکز نظامی پخش شده‌اند، جایگرفته در حدود ۳۰ کشور، پیرامون زمین. با در نظر گرفتن این که ک.م. نقش پلیس جهانی را به خود بسته است... پراکندگی کثونی‌ی منابع نظامی، فراهم شده با جنگ وی‌یتنام و نظام جهانی‌ی پایگاهها یک ذخیره‌ی رزم - آمائی‌ی کوچک خطرناک برای تکامل در نواحی بحرانی باقی می‌گذارد.

در امپراتوریهای سرمایه‌داری زودتر، به ویژه آن بریتانیائی‌ها و فرانسه‌ئی‌ها، شکست دادن و حفظ نظارت و پایش بر سرزمینهای دوردست کره، بی دست زدن به فراخانی به خدمت نظام و تشکیل ارتش از آنان در کشور مادر، امکانپذیر بود. دلیل عمده برای این کار، ضعف و ناتوانی‌ی مقاومت نهضت‌های مقاومت استعماری بود، نداشتن دسترسی‌ی آنان به سلاحهای امروزی... و سربازگیری سربازان از میان بیکاران و آنها که با دستمزد یا پاداش کم استخدام شده بودند، در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته (جفت و برابر شده با ارتشهای ساده‌ی فراهم شده از سرزمینهای مستعمره). به هنگام جنگ وی‌یتنام، باری ک.م. هیچ آزادی‌ی گزینشی نداشت مگر اتکاء به فراخانی برای خدمت سربازی برای اجرای هدفهای ایمریالیستی‌اش. دیگر نهضت‌های مقاومت جهان سوم از دیدگاه سیاسی نامتحد و به هم - ناپیوسته نبودند، ظرفیت آنان برای به دست آوردن سلاحهای امروزی بسنده جهت جنگی چریکی افزایش یافته بود، و انبوهی بیکار در ک.م. که از میان آنان سرباز - گیری شود، وجود نداشت. اما هنوز ک.م. از خدمت سربازی‌ی همگانی، همچون وسیله‌ئی برای حفظ و نگاهداری‌ی امپراتوری روگردان بود. پس از جنگ وی‌یتنام، که خطر تکیه به فراخانی برای خدمت سربازی را در یک جنگ ایمریالیستی‌ی نامردمی، نشان داده بود، ک.م. به یک ارتش کوچکتر، اما همه داوطلب، روی آورد... و با این باوری که شگردشناسی نیاز به سربازان روی زمین را محدود میکند.

تنها در یک سال، عراق نشان داده است که این باورداشت، توهمی بیش نیست. کل طرح ارتش داوطلب، برای حفظ و نگاهداری امپراتوری‌ی ک.م. ژنده و مندرس است. طبقه‌ی حاکم ک.م. تقاضای گروههای

جنگنده‌ی بیشتری برای عراق دارد، و هیچ قدرت در دسترس وجود ندارد... ک.م. مداخله و کارآیی در عراق را با پشتیبانی‌ی همکار بسیار کوچکتر خود، بریتانیا، برگزیده است. یگانگی و پایان وضع پیشاپیش در یک گزارش بخش بودجه‌ی کنگره به کمیته‌ی نیروی مسلح ک.م. در ۵ نوامبر ۲۰۰۳، دیده شد. گزارش مینویسد: «ارتش فعال، نمیتواند یک نیروی اشغالگر را با حجم کنونی‌ی آن، پس از حدود مارس ۲۰۰۴، برای مدت بیش از یک سال، و بی کمک و تعویض نگاهداری کند.» برای حفظ وضع «ثابت» یا اشغال غیرمحدود، رویه‌ی نیروها باید در حد ۶۴۰۰۰ نگاهداری شود. تنها گزینش دیگر برای ک.م. جهت الگوهای چرخش، یک رشته اقدامات دیگر بود (وضع مالیات برای تامین قدرت ارتش و داوطلب آن، گرایش سنگین به نیروی دریایی، گارد ملی و واحدهای نیروی ویژه... (رشد نیروهای مزدور، در تاش قراردادهای خصوصی‌ی نظامی در عراق، اکنون به حدود ۲۰۰۰۰ میرسد...)) حتا اگر نیروهای موجود، قرار بود حداکثر گسترش یابد... بخش بودجه‌ی کنگره... آن را بیش از دوسوم رویه‌ی نیروی موجود افزایش نمیداد...

در چنین وضعی‌ست، کمبود دقیق سربازان، که کنگره بار دیگر پیامهائی درباره‌ی یادداشت مذکور میفرستد... این امر، همچون یک مورد منصفانه برای برابر کردن بار طبقه‌ئی‌ی جنگ است که هم‌اکنون یکپارچه روی طبقه‌ی کارگر افتاده است - یا طبقه‌های متوسط و پایین فقیران.

سناتر چاک هگل، نبراسکا، در NBC پرسید «چه کسی اکنون همه‌ی جنگ را اجرا میکند؟» بنابر گفته‌ی هگل جنگ برای «تروریزم»، مردم - ترسانی، به احتمال یک ۲۵ سال جنگ ابداعی‌ست» و این سان باید روی همه‌ی طبقه‌ها در جامعه بیافتد. Joe Biden سناتر دموکرات دیلاویر، در همان برنامه اعلام کرد که ارتش ک.م. بسیار کوچک است و به احتمال نمیتواند تا میزان قدرت مورد نیازش بالا آورده شود، مگر براساس یک خدمت سربازی‌ی همگانی... پنتاگن، وزارت دفاع ک.م. دارد به آرامی سربازگیری میکند تا آنها را در جاهای در خور قرار دهد...

امریکائیهای جوان نیاز دارند بدانند قطاری دارد میاید و آن میتواند بر روی نسل آنها، به همان شیوه که جنگ وی‌یتنام زندگی‌ی آنان را که در «دهه‌ی ۶۰» بالغ شدند نابود کرد، حرکت کند (Toronto Star، ک.م. وزن و اثر بازگشت به سربازگیری‌ی نظامی را اندازه‌گیری میکند» ۲۲ آوریل ۲۰۰۴).

با دریافت این که جنگ عراق علیه ک.م. برگشته است، حتا پشتیبانان جنگ، اکنون تقاضا میکنند ک.م. یک رزم - آمائی خروج روشن، پیش گیرد. آن رزم - آمائی اکنون پیرامون طرح دلالی‌ی سازمان ملل برای انتقال قدرت به مقامات عراقی در ۳۰ ژوئن (۲۰۰۴) نامیده میشود. با این همه، دولت بوش خاطرنشان کرده است که قصد دارد «استقلال» عراق را، در هر انتقال قدرتی محدود نگاهدارد. برنامه‌های جاری ک.م. که دنبال تصویب آن از سوی شورای امنیت ملل متحد است، قدرت دولت نگهبان عراق را در وضع قوانین تازه یا تغییر قوانین موجود نفی میکند... دولت نگهبان جدید عراق هم‌چنین از هرگونه قدرتی بر نیروهای مسلح عراق محروم است. فرماندهان ک.م. بر نیروهای ک.م. و عراق فرمان خواهند داد. دولت جدید عراق هم‌چنین، به طور قطع، از پایش و نظارت بر پول عراق و درآمد نفت آن محروم خواهد بود. در ۲۷ آوریل جان د. Neghopte... به کنگره خطاب کرد که دولت نگهبان عراق، حق امضاء قرارداد درازمدت برای نفت نیز نخواهد داشت.

نشانه‌ی نگران و آشفته‌کننده در همه‌ی این برنامه‌ها این است که ک.م. در حال برقرار کردن یک دولت نگهبان در عراق، دارد میکوشد هزاران افسر ارتشی‌ی سابق بعثی را برای آفرینش یک هسته‌ی ارتش عراقی، به کار گیرد تا هسته‌ئی از یک ارتش عراقی بیافرینند که بتواند برای فروکوبی‌ی مقاومت ملی عراق به کار رود، و به صورت امکانپذیر بنیاد یک بنیاد یا مرکزی را درون کشور به وجود آورد که ک.م. بتواند روی آن حساب کند. این از میان بردن هرگونه سعی و تلاش است برای ایجاد یک فرایند سیاسی و دولتی‌ی پذیرفتنی از سوی اکثریت شیعه، پدیده‌ئی که ارج و مرکزیت همانند به فرایند مردمسالاری را در رزم - آمائی‌ی امریکائی زیر سؤال میبرد. وابستگی‌ی ک.م. به مردمسالاری را بار دیگر شکنجه و خار - گردانی‌ی عراقیها در زندان ابوغریب و جاهای دیگر، زیر پرسش میبرد...

آنچه از همه‌ی این رویدادها آشکار میشود این است که واشینگتن امیدوار است انتقال اساسی‌ی پایش

سیاسی در عراق را با انکار هرگونه قدرت اصیل از دولت مراقب نظم، هرچه زیادتر به تاخیر اندازد. هدفهای سیاسی و اقتصادی و نظامی ک.م.م. به هم پیوند یافته‌اند. تعقیب هدفهای اقتصادی و نظامی ایمپریالیزم ک.م.م. از هرگونه حل بحران سیاسی در عراق پیشگیری میکند... بنابر برنامه‌های موجود، عقب‌نشینی ک.م.م. هنوز سالهای دیگر در پی دارد.

تبلیغات انجام شده، به رغم حمله‌ی ک.م.م. به عراق، با هدف متوقف ساختن عراق از کاربرد سلاحهای کشتار گروهی (که کشف شد عراق چنان سلاحهائی ندارد) نبود، نه این که هدفی در زمینه‌ی آفرینش مردمسالاری در آن کشور داشت. انگیزه یا هدف واقعی جنگ، گسترش نظارت و پایش ک.م.م. بود بر منابع نفت عراق - دومین ذخیره‌ی بزرگ نفت در جهان - و ایجاد یک حضور نظامی بزرگ ک.م.م. در عراق، به احتمال با شکل - گیری‌ی یک پایگاه نظامی همیشگی که تسلط ک.م.م. را بر کل خاورمیانه افزون سازد. حضور ایمپریالیزم ک.م.م. در عراق، همچنین تصور شده بود، قدرت آن را فراسوی خاورمیانه و درون آسیای مرکزی میپراکند، آسیای مرکزی‌ئی با ذخائر گرانواری نفت و گاز طبیعی‌اش! هر برآیندی که به پایش و نظارت دنباله‌دار ک.م.م. - از طریق درهم آمیختن ابزارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی - بر ذخائر نفتی عراق، رهنمون نگردد، یک شکست سرمایه‌داری ک.م.م. محسوب خواهد گردید، از آنجا که چنان پایش و نظارتی هم چنانکه قدرت جغرافیایی - سیاسی که آن را نمایش میدهد، یک هدف بزرگ حمله بود. این سان سپهد *Jay Garner*، رئیس پیشین اشغال عراق، در گفتگو با *BBC*، در ۱۹ مارس ۲۰۰۴ اعلام داشت خصوصاً کردن نفت و بالا بردن نمونه‌ی تازه‌ئی از اقتصاد - آزاد در عراق، در برنامه‌های اداری، بر همه‌ی امور دیگر مقدم بوده است، در بردارنده‌ی نه تنها دیگرگونه‌های سیاسی، که هم‌چنین تامین برق و آب عراق.

برابر گفتار سپهد گارنر، نمونه‌ئی که او، به هنگام اشغال عراق به کار گرفت، نقش ایمپریالیزم ک.م.م. بود در فیلپین در آغاز سده‌ی بیستم، که یک پایگاه ذغال برای نیروی دریایی ک.م.م. بود، در جنگ اسپانیا - امریکا و سپس فیلپین - امریکا، که به نیروی نظامی امریکا اجازه داد قدرت خود را در اقیانوس کبیر و آسیا بگسترده. سپهد کارنر گفت: «من می‌اندیشم... این یک فراسنجی یا شباهت بدی است، اما ما باید هم‌اکنون به عراق همچون ایستگاه تامین ذغال خود، در خاورمیانه بنگریم، آنجا که گونه‌ئی حضور پیدا کرده‌ایم و به ما منافع رزم - آمایانه میدهد و پاره - زمانی خواهد گرفت، تا آن میزان که مردم عراق راضی گردند ما میهمانانی در کشورشان باشیم... چنان تاراج و چپاول جنگی، که همچون ایزاری برای تامین برتری‌ی ک.م.م. بر جهان دیده و شناخته شده، به آسانی و در کوتاه مدت رها نخواهد شد. هرگونه دلیلی وجود دارد بر این که ک.م.م. خواهد کوشید تسلط خود را بر عراق حفظ کند و عراق را از طریق درهم آمیختن مسائل نظامی اقتصادی و سیاسی، درون ک.م.م. نگاهدارد.

دلیل دیگری هم برای دنباله - گیری‌ی جنگ در عراق، از سوی ک.م.م. وجود دارد. هرچیز که همچون شکستی ظاهر گردد، «نشانه‌ی وی یتنام» را باز میگرداند - اصطلاحی ساخته و پرداخته‌ی محافظه - کاران برای رجوع به رد مردمی و همگانی‌ی مردم امریکا در زمینه‌ی مداخله‌ی بزرگ نظامی در کشورهای جهان سوم، پس از شکست وی یتنام. جنگ عراق چنان انگاشته شد که آخرین اکتشافها را در نشانه‌های وی یتنام آشکار میکند و تامین و بازگرداندن کامل قدرت ایمپریالیزم ک.م.م. را. اکنون، ناگهان، فاجعه‌بارترین جنبه‌های جنگ وی یتنام از دیدگاه ایمپریالیزم ک.م.م. (کمینگاههای فراوان چریکها، مقاومت همگانی‌ی بیرحمانه، تابوتهای پرچم - زده و قصاوتهای ک.م.م.) بازگشت کرده‌اند. این از دست رفتن اقتصاد و باور - پذیری در زمینه‌ی قدرت ایمپریالیستی ک.م.م. از سوی آنان که در راس جامعه‌ی ک.م.م. قرار دارند، همچون بزرگترین خطر که از سوی جنگ کنونی برپا شده، نگریسته میشود. هم‌چنین این پدیده، آخرین دلیل را، که ماشین جنگی ک.م.م. دشوار برای بازگشت مییابد، نشان میدهد، تا زمانی که فرمولی برای توجیه ظاهری پیدا کند. همه‌ی اینها، نیروی فزاینده‌یی برای ادامه و حتا تشدید جنگ تولید میکند.

با این همه نیروهائی در کار است که در جهت دیگر می‌رانند. مهمترین اینها، مقاومت رشد - یابنده عراقی‌ست. دیگری پاسخ منفی متحدان ک.م.م. است برای هرگونه بالا بردن جنگ. آخرین، پشتیبانی‌ی کاهش‌یابنده از جنگ است در خود ک.م.م. که میتواند به یک جنبش نیرومند ضد - جنگ در پایان و با افزایش جنگ، بدل گردد. در چنان لحظه‌ئی همانندی با جنگ وی یتنام فرار - ناپذیر است. □